



رؤیای آمریکایی

★ American Dream ★

بازخوانی پرونده‌ی جنگ نیابتی ایالات متحده علیه ایران
سپتامبر ۱۹۸۰ - اگست ۱۹۸۸

پژوهش و نگارش:

گل‌علی بابایی



تهران - بهار ۱۳۹۷



- ۷ ★ یادداشت ناشر
- ۹ - سخن نویسنده ★
- ۱۷ ★ ۱- تهاجم عراق به ایران، طرح انگلیسی - آمریکایی
- ۴۷ ★ ۲- شبکه‌ی نقاب: مجری طرح کودتای برژینسکی
- ۸۷ ★ ۳- جنگ نیابتی؛ رویای آمریکایی صدام
- ۱۲۳ ★ ۴- جنگ افروز؛ صلح طلب می‌شود!
- ۱۶۷ ★ ۵- دکترین بهمن؛ پیکار مردمی - پیکار جویان مردمی
- ۲۰۷ ★ ۶- ایران می‌تازد! ورود به خاک دشمن؛ پاسخ به سه ضرورت
- ۲۴۹ ★ ۷- اتاق جنگ کاخ سفید در بغداد
- ۲۷۳ ★ ۸- آمریکن استانچ؛ ماه غسل شش ساله
- ۳۰۱ ★ ۹- جدال عقاب با شیر
- ۳۷۳ ★ ۱۰- ۵۹۸: قطعه‌نامه‌ی نافر جام
- ۴۰۱ ★ پیوست فصل ۱۰: فرقه رجوی و تکرار حماقت صدام
- ۴۴۳ ★ ۱۱- منابع
- ۴۵۹ ★ ۱۲- نمایه
- ۴۹۴ ★ ۱۳- در مورد کتاب و نویسنده (انگلیسی)

حضرات آقایان!

در هر نقطه [از کشور] که هستید، مردم را برای جنگ و درگیری با آمریکا و اذنب خونخوارش چون رژیم عراق آماده کنید که جنگ، جنگ است و عزّت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است و میهن عزیزتر از جان ما، امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود را برای نبرد با باطل، مهیا سازد. ما برای میهن عزیزمان؛ تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین، مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است.

«حضرت امام خمینی قدس سره ۵ مهر ۱۳۵۹»

«... این جنگ، علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد».

«حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»

تهاجم مسلحانه سراسری ظهر روز سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ رژیم به عدم پیوسته صدام حسین به ایران، در واقع پیامد یک سلسله ناکامی‌ها و شکست‌های متوالی ایالات متّحده آمریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی مردم ایران بوده است. رشد نیروهای مؤمن به انقلاب در زیر چتر حمایت و هدایت رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، سرانجام به فتح لانه جاسوسی، حذف لیبرال‌های حاکم بر مقدرات کشور و تشکیل کابینه‌ی مردمی و ضد آمریکایی آموزگار شهید محمدعلی رجایی انجامید. روند این تحولات برای آمریکا تردیدی باقی نگذاشت که در صورت عدم مقابله‌ی فیزیکی همه جانبه با انقلاب اسلامی، جاذبه و نفوذ این حرکت عظیم، به مثابه یک پدیده غیرقابل کنترل و گسترش یابنده، در سطح وسیعی منافع راهبردی نامشروع مغرب زمین در جنوب غربی آسیا را به خطر خواهد انداخت.

در این ارتباط رژیم بعثی حاکم بر عراق به دلیل پس زمینه‌ای آکنده از کینه‌های تاریخی - نژادی و تعارضات سیاسی و نظامی با ایران، مستعدترین اهرمی بود که

می‌توانست مقابل انقلاب اسلامی علم شود و سد محکمی را در جهت ممانعت از گسترش و صدور پیام‌رهای بخش این خیزش مردمی اصیل به کشورهای منطقه، ایجاد نماید. از نظر حکام بعثی عراق، ایران از سویی در زمینه اوضاع داخلی دچار تشنگی و از هم‌پاشیدگی بود و در همین حال از نظر شرایط بین‌المللی نیز، در وضعیت به غایت نامساعدی قرار داشت که در آن، جهان امپریالیستی به شدت علیه انقلاب اسلامی تحریک و بسیج شده بود. بنابراین تعادل سیاسی نظامی فیمابین ایران و رژیم بعثی عراق، به نفع این رژیم رقم خورده بود، آن هم به اندازه‌ای که صدام خود را قادر می‌دید از این تغییر موازنه، برای تحقق اهداف و مطالع دیرین خود استفاده کند. با توجه به هم‌سویی این تحرک با آن چه مد نظر امپریالیست‌ها بود، رژیم بعث امیدواری فراوانی برای موفقیت داشت. به همین دلیل جناح غرب‌گرای حزب بعث عراق به سرکرده‌گی صدام حسین طی یک دوره، به کسب آمادگی پرداخت تا به عنوان عامل مستقیم امپریالیست‌ها در مقابله با انقلاب اسلامی وارد عمل شود. تحولات ایجاد شده در رأس هرّم رهبری حزب بعث عراق برای حذف احمد حسن البکر و جایگزینی صدام حسین در تیر ۱۳۵۸، این روند را قطعی کرد و به آن شدت بخشید. تا این‌که سرانجام در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ طی یک تهاجم سراسری و گسترده ارتش بعث عراق وارد بخشی از سرزمین‌های ایران اسلامی در غرب و جنوب کشور شد و چند هزار کیلومتر از سرزمین‌های غربی و جنوبی ایران را به اشغال خود درآورد.

پس از سقوط خرمشهر، در چهارم آبان ۱۳۵۹، صدام وارد این شهر شد و در پایان کنفرانس مطبوعاتی خود با نمایندگان آژانس‌های خبری آمریکایی و اروپای غربی، وقتی خبرنگاران از او تقاضای ادامه‌ی مصاحبه را کردند؛ با غرور به سیگار برگش پکی زد و گفت:

«بقیه‌ی این مصاحبه؛ بماند برای اهواز».

واقعیت این بود که صدام بر اساس «رؤیای آمریکایی» فتح استان خوزستان طی جنگی برق‌آسا، چنین وعده‌ای به خبرنگاران خارجی در خرمشهر اشغالی داده بود. اما به راستی چه اراده‌ای این رؤیای اهریمنی سردار مغرور قادسیه الصدام! را، به کابوسی تلخ مبدل کرد؟ و ماشین جنگی قدرتمند او را در دشت‌های گرم خوزستان و کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی غرب ایران، زمین‌گیر کرد؟! بحث محوری این کتاب؛ در حقیقت پاسخی است به این پرسش.

در روند پرماجرا و طولانی پژوهش و نگارش این اثر؛ مؤلف از موهبت ارزشمند حمایت‌های معنوی گرمیانی برخوردار بوده است، که در اینجا به رسم ادای احترام به ایشان، از آن بزرگواران یاد می‌شود. سردار سرلشکر پاسدار شهید حسین همدانی؛ که به یمن برخورداری از نگرشی راهبردی در تجزیه و تحلیل مسائل کلان مربوط به دفاع هشت ساله‌ی ملت قهرمان ایران، بزرگ‌ترین حامی ایده‌ی مرکزی، انجام پژوهش و آغاز به کار نگارش این کتاب بوده است.

- استاد نادر طالب‌زاده اردوبادی؛ تحلیل‌گر برجسته‌ی مسایل ایالات متحده، که مؤلف در جای جای این اثر، از نظریات؛ انتقادات و پیشنهادات ایشان، بهره‌ها برد.

- سردار سرتیپ پاسدار محمدحسن محقق؛ رزمنده‌ی جانباز و فرمانده خاکی‌پوش گردان حبیب‌بن‌مظاهر لشکر ۲۷ در دوران دفاع مقدس، که مسؤولیت سترگ نظارت و تأیید محتوایی مندرجات این اثر را، با دقت و ظرافتی وصف‌ناپذیر، عهده‌دار شد.

سردار سرتیپ دوم پاسدار محمدرضا یزدی؛ فرمانده محترم سپاه محمد رسول الله ﷺ

سرتیپ دوم پاسدار احمد ذوالقدر، سرتیپ دوم پاسدار محمد حسین دینی و تمامی مدیران و کارکنان زحمتکش رده‌های ستادی و اجرایی تابعه ایشان در سپاه تهران بزرگ، که برای انتشار هر چه سریع‌تر این کتاب، از بذل هیچ مساعدتی دریغ نکردند.

- سردار سرتیپ دوم پاسدار محمد ریوندی؛ ریاست گرامی سابق مؤسسه فرهنگی

- هنری روایت ۲۷ بعثت و مجموعه دست‌اندرکاران و کارکنان سخت‌کوش نشر ۲۷ بعثت که رنج فراوان به سرانجام رسانیدن امر خطیر چاپ و انتشار «رؤیای آمریکایی» را جوانمردانه عهده‌دار شدند و کار را به اتمام رسانیدند.

- نشر صاعقه؛ علاوه بر مشارکت در امر انتشار کتاب، کلیه‌ی مدارک مکتوب و رسانه‌ای آرشیو خود را، در اختیار مؤلف قرار داد.

- واژه‌نگاری و نمایه‌نویسی دقیق بخش پایانی کتاب «رؤیای آمریکایی»، مرهون بذل سلیقه‌ی سرکار خانم معصومه زهراکار بوده است.

- صفحه‌آرایی و طراحی جلد کتاب را، هنرمند خوش‌ذوق جناب آقای محمد لیبی به عهده گرفت و آن را به گونه‌ای سزاوار به سرانجام رساند.

- تصاویر آرشیوی مندرج در فصل پایانی کتاب، محصول همیاری جناب آقایان علی سلطانی محمدی و حسین ثالثی بوده است. ضمن آن که ویرایش فنی عکس‌ها به همت خانم فاطمه اصلانی، انجام گرفت.

- دکتر سیدحسن شکری در گردآوری بخشی از مدارک و مستندات آرشیوی کتاب، کمک حال مؤلف بود.

- ترجمه بخش پایانی کتاب حاصل تلاش آقایان سعید غنیمی و مسعود امیرخانی است. همینجا مراتب سپاس صمیمانه خود را به تمامی عزیزان مذکور در فوق و نیز؛ گرامیانی که به هر علت، نام ارجمندشان در این دیباچه نیامد، ابراز می‌دارم؛ اجر ایشان با خدای شهیدان.

لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

تهران - فروردین ۱۳۹۷

گل‌علی بابایی